مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۱۲ ، تابستان ۱۳۹۷جلد۱، ص۹۷-۸۵
http://www.jhss.ir

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال چهارم)
شماره ۱۲ / تابستان۱۳۹۷ / ص ۹۷-۸۵

بـــــررسی حقوق و مسئولیت شهروندی وتاثیر آن بر سلامت اجتماعی شهروندان منطقه ۱۲ شهر تهران

علی جمشیدی مهر [۱]، محمدرضا خانی [۲]

[1]مدرس دانشگاه پیام نور استان تهران

[2]دانشجوی دکترای جامعه شانی و مدرس دانشگاه

نویسنده مسئول:

علی جمشیدی مهر

چکیده :

حقوق شهروندی در فرآیند توسعه بعنوان گامی اساسی به سمت دمکراسی در جامعه ی مدرن یک ضرورت به شمار می رود و دستیلبی به آن در شرایط مختلف اجتماعی , فرهنگی و سیاسی است این مقاله با هدف شناخت حقوق و مسئولیت شهروندی و تاثیر آن بر سلامت اجتماعی شهروندان منطقه ۱۲شهر تهران در سال ۱۳۹۰ بود ،جامعه آماری در این پژوهش شهروندان منطقه ۱۲ شهر تهران و نمونه مورد مطالعه ۳۰۵ نفر که از این تعداد۱۴۹ نفر را زنان و ۱۵۶را مردان تشکیل میدهند در پژوهش حاضر از روش پیمایش استفاده شده و اطلاعات و داده ها از طریق روش میدانی و با استفاده از پرسشنامه جمع آوری شده است ،روش نمونه گیری خوشه ای و در نهایت با استفاده از روش تصادفی ساده قرعه کشی نمونه انتخاب شده اند ،یافته های تحقیق با استفاده از جداول توصیفی و آزمون های آماری در نرم افزار SPSS محاسبه شده است ،متغیر مستقل که شامل حقوق اجتماعی ، حقوق مدنی ، حقوق مشارکتی ،حقوق فرهنگی و متغیر وابسته سلامت اجتماعی است. با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها رابطه معناداری میان متغیر های یاد شده و سلامت اجتماعی وجود دارد. و در ادامه از طریق مدل رگرسیون مشخص می شود که تاثیر مستقیم و غیر مستقیم کدام متغیر بیشتر است .

کلید واژه ها : حقوق و مسئولیت شهروندی سلامت اجتماعی

مقدمه :

حقوق نیز مانند سایر مظاهر زندگی اجتماعی با دیگر پدیده های جامعه ، مخصوصاً با آداب مذهبی و عرف و رسم آمیخته است ، آنچه در حقوق اقوام بدوی وجود داشته کثرت و تنوع مقرراتی است که به نظر می آید از دایره حقوق بیرون اند ، در حقوق کشورها تمایزی میان حقوق و عرف و معتقدات عمومی وجود ندارد . در حقوق اسلامی نیز نظام حقوقی تابع قرآن است و در قرآن میان قواعد حقوقی و دستورات مذهبی و اخلاقی تفاوتی نیست (رحیمی ، ۱۳۷۱ ص۴۳)

حقوق شهروندی : مجموعه ای از قوانین رسمی و عرفی است که علاوه بر حضور و دخالت جدی شهروندان در امور سیاسی خویش موجب حفظ صیانت از اصول اساسی حیات انسانی آنها را بهره مندی از شرایط و امکانات رفاه اجتماعی است که در تنظیم روابط افراد با یکدیگرموثر خواهد بود .

سلامت موضوعی مطرح در بسیاری از فرهنگ هاست در واقع هر جامعه به عنوان بخشی از فرهنگ خود از سلامت مفهوم خاصی در نظر دارد . از این میان شاید دیرینه ترین برداشت از مفهوم سلامت آن باشد که سلامت عبارت است از بیمار نبودن ، باوجود این در چند دهه گذشته جنبش تازه ای پدید آمد , سلامت به عنوان یک حق بشری و یک هدف اجتماعی در جهان شناخته شده است ، یعنی سلامت برآورده شدن نیازهای اساسی و بهبود کیفیت زندگی انسان لازم است و باید برای همه انسانها در دسترس باشد .(محمدی اصل ، ۱۳۸۲ ص ۷)

سنجش محتوای سلامت اجتماعی از ابتدا از طریق تمرکز بر فرد در ارتباط با تعاملات میان فردی (ملاقات با دوستان) و مشارکت اجتماعی (مانند عضویت در گروه ها) مورد سنجش قرار گرفت(محسنی ، ۱۳۷۴ ص۱۲)، به طور کلی اغلب پژوهشگران سلامت اجتماعی را بخشی مستقل از وضع سلامت به معنی اختصاصی کلمه در نظر می گیرند و آن را با عنوان درجه و قدرت توانایی و عملکرد اشخاص در فعالیت های اجتماعی در حکم اعضای جامعه تحریف می کنند .(محسنی ، ۱۳۷۴ ص ۱۳)

بیان مسأله :

هر انسانی تنها به حکم انسان بودنش، در جامعه دارای یک سلسله حقوق و مزایایی است که به عقیده بسیاری از حقوق دانان این حقوق طبیعی است نه اکتسابی و هیچ مقامی حق ندارد آن را از انسان سلب کند ، مثل حق حیات، حق خدشه ی ناپذیر جسمی، حق انتخاب ... و این حقوق تحت عنوان حقوق طبیعی و حقوق بشر مطرح هستند، کشورها معمولاً در این حقوق به نفع شهروندان خویش تغییراتی ایجاد می کنند به آ ن رنگ و بوی ملی می دهند و از آن تحت عنوان حقوق اساسی یاد می کنند. برخی از این حقوق عبارتند از حق رأی ، حق مالکیت ، حق دادخواهی، حق تحصیل و ... از آنجا که یکی از مسئولیت ها و وظایف خطیر نظام آموزشی در هر جامعه تربیت و جامعه پذیر کردن اعضای آن جامعه است و از سوی دیگر با توجه به مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش در دوره متوسطه اهداف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مواردی دیگر عنوان شده است که جزء لاینفک حقوق شهروندی است و همچنین با توجه به دروس رشته های علوم اجتماعی در مقاطع مختلف آموزش عالی که در جهت تربیت شهروندانی فعال برای جامعه هستند. به حقوق و مسئولیت شهروند توجهی خاص مبذول شود.(آرمکی ،۹۱:۱۳۸۶)

حقوق شهروندی مجموعه ای از قوانین رسمی و عرفی است که علاوه بر امکان حضور و دخالت جدی شهروندان در امور سیاسی خویش موجب حفظ صیانت از اصول اساسی حیات انسانی آنها و بهره مندی از شرایط و امکانات رفاه اجتماعی است که در تنظیم روابط افراد با یکدیگر موثر خواهد بود.

بنابراین در دنیای امروزی چه در سطح ملی و چه در سطح فراملی عدم آگاهی شهروندان از وضعیت حقوق و مسئولیت خود در جامعه بعنوان یک مسأله پر اهمیت تبدیل شده است. شهروندان با طرح این تقاضا که به همه افراد بطور برابر رفتار شود می توان ریشه های تنش های اجتماعی را خشکاند ، هر شهروند به مدد مجموع حقوق و مسئولیت و تعهداتش راهی برای توزیع و اداره عادلانه منابع از طریق تقسیم منابع و مسئولیت های اجتماعی می توان به این مهم دست یابد.

و همچنین اندیشمندان اسلامی و اجتماعی به هنگام تعریف و تبیین حق و مسئولیت از اهمیت و بزرگی این کلمات یاد می کنند مثل اینکه آن تداعی بخش اساسی ترین آرمانهای انسانی دانسته اند و یا معتقدند حق جویی و عدالت خواهی ما در همه ارزشهای اجتماعی است و نیز می گویند حق شناسی و مسئولیت پذیری نخستین گام ما در بررسی حقوق بشر است .

از این رو در بررسی حقوق و مسئولیت شهروندی قبل از هر چیز باید حق را شناخت که برای شناخت حق و حقوق بشر می توان اذعان کرد که تعریف یکسانی برای آن وجود ندارد و حتی اساتید علم حقوق معتقدند اختلاف دیدها و اعتقادها بقدری زیاداست که قدر

مشترکی نمی توان یافت بعنوان مثال تلقی یک فرد مادی مسلک از حق با تحلیل و تبیین یک فرد موحد از حق متفاوت است . (ساروخانی،۱۳۷۵:۱۲۱)

ترمینولوژی حقوقی متعددی از حق و حقوق و کاربردهای گوناگون آنها در حوزه های فلسفه حقوق مطرح کرده که ما برخی از آنها را نقل می کنیم الف: قدرتی که از طرف قانون به شخص یا اشخاص داده می شود و کسانی که حق مزبور علیه انهاست و مکلف به رعایت آن هستند ب: حق تحقیقی: حقی که دارای ضمانت اجراست و در مقابل حقوق طبیعی و حقوق فطری که به آن حقوق موضوعه نیز گفته می شود.

و اما آن روی این کار تحقیق سلامت اجتماعی است . سلامت اجتماعی شامل سطوح مهارتهای اجتماعی، عملکرد اجتماعی و توانایی شناخت هرکس از خود بعنوان عضوی از جامعه بزرگتر به حساب می آید و بر شرایط اقتصادی و اجتماعی و رفاه اجتماعی و شخصی در رابطه با شبکه های اجتماعی توجه می شود، در واقع سلامت اجتماعی رابطه شبکه ارتباطات اجتماعی و تعادل شخصی و سازگاری میان فرد و محیط است که عوامل معتددی به داشتن این وضعیت کمک می کند که یکی از آنها حمایت های اجتماعی, که حمایت های اجتماعی میزان برخورداری از محبت، همراهی، توجه اعضای جامعه به همدیگر، دوستان و سایر افراد تعریف شده ,که این پدیده تأثیر گذار بر سلامت اجتماعی جامعه و محیط است و همچنین ادراک حمایت اجتماعی و احساس ارزشمندی منجر به سلامت افراد و ایفای مسئولیت متقابل آنها در مقابل جامعه خواهد بود.

انسان سالم محور توسعه است و در سایه سلامت تک تک آحاد جامعه در همه ابعاد سلامت می توان بسوی توسعه پیش رفت از آنجا که سلامت درون تنها در پرتو سلامت اجتماعی محقق می شود توجه به بررسی سلامت اجتماعی حائز اهمیت فراوان است. بعد اجتماعی سلامت در برگیرنده سطوح مهارتهای اجتماعی است که به نحوه ارتباط شخص در شبکه اجتماعی توجه می شود از سوی دیگر پایین بودن میزان سلامت اجتماعی در بین افراد می تواند عاملی برای بروز رفتارهای نابهنجار اجتماعی باشد.

بنابراین شناخت عوامل موثر بر میزان سلامت اجتماعی در بین شهروندان در کاهش و یا افزایش توسعه جامعه می تواند تأثیر گذار باشد.

سوالات تحقیق :

آیا بین حقوق ومسئولیت شهروندی و سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد ؟

آیا بین حقوق فرهنگی و سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد ؟

آیا بین حقوق مدنی و سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد ؟

آیا بین حقوق سیاسی و سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد ؟

آیا بین حقوق مشارکتی و سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد ؟

آیا بین حقوق اجتماعی و سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد ؟

چهارچوب نظری :

محققین علوم اجتماعی اتفاق نظر دارند که نقش شهروندی انسانها در جوامع مختلف متفاوت است در مطالعه نظریه ها و دیدگاه های نویسندگان مختلف نیز به این نتیجه رسیدیم که در هر کشوری که حکومتی مبتنی بر قانون وجود دارد. مجموعه ای تحت عنوان حقوق و مسئولیت شهروندی وجود دارد که تعیین کننده روابط متقابل میان شهروندان و حکومت و نیز روابط میان شهروندان با یکدیگر می باشد. ولی محتوای این حقوق و تعهدات و نیز کسانی که بعنوان شهروند شناخته می شوند و می توانند از آن برخوردار باشند در تمام کشورها و در تمام زمانها یکسان نیست.

بعبارتی محتوای شهروندی برحسب شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی حاکم بر کشور و نیز تاریخ ، آداب و رسوم اصول و اعتقادات مذهبی موجود متفاوت می باشد. از سویی تحت تأثیر جهانی شدن و گسترش و سرایت فرهنگ ها و آگاهی شهروندی در مورد انواع و اشکال مختلف حقوق شهروندی افزایش یافته است. بطوری که می توانیم در کشورهای مختلف شاهد ادعاهای حقوقی جدید از سوی گروه ها و طبقات متعدد باشیم. ولی این ادعاهای حقوقی جدید اگر شکل قانونی به خود نگیرد و به تصویب نرسد ولو اینکه توسط بخش کثیری از افراد جامعه هم به رسمیت شناخته شود باز هم در حد یک ادعا باقی می ماند و از سوی دولت ضمانت اجرایی نخواهد داشت.

همچنین از آن جایی که پیشرفت و تغییرات سریع تکنولوژی باعث تغییر شکل زندگی و تغییر روابط و مناسبات اجتماعی بین شهروندان در سطوح مختلف می گردد، لازم است در محتوای حقوق و مسئولیت شهروندی تجدید نظر و اصلاحاتی صورت گیرد تا با شرایط جدید منطبق شده و بتواند پاسخ نیازهای جدید شهروندان باشد.

شهروندان قبل از هر چیز باید از حقوق و مسئولیت شهروندی آگاهی داشته باشند چه بسا یک شهروند بدون آگاهی از حقی استفاده کند و در نتیجه خود را ملزم به انجام تعهدات متناظر با آن نداند و یا حقوقی برایش تخصیص داده شده باشد، بعلت عدم آگاهی از آن استفاده نکند و یا متوجه نادیده گرفته شدن حقش باشد ولی بعلت عدم آگاهی از آن استفاده نکند و یا متوجه نادیده گرفته شدن حقش در جامعه نشود (ژانوسکی، ۱۹۹۸ :۴۹)

پس در مجموع اگر شهروندان آگاهی از حقوق و مسئولیت شهروندی خود نداشته باشند قادر نخواهد بود که مدعی استفاده از آن شوند. البته آگاهی به تنهایی برای حضور فعال در بخش های مختلف جامعه کافی نیست بعبارتی دیگر این آگاهی باید بتواند شخص را به تحرک وا دارد و آگاهی باید همراه با قدرت باشد.

به دلیل ماهیت چند وجهی بودن حقوق شهروندی باید تلفیق از چند نظریه را برای تحلیل و تبیین حقوق شهروندی و سلامت اجتماعی در نظر گرفت لذا به منظور شناخت همه جانبه به ترکیبی از چند دیدگاه پرداخته ام

۱- نظریه مارشال

۲- نظریه ترنر

۳- نظریه هابرماس

۴- نظریه کیز

چهارچوب نظری تحقیق حاضر براساس نظریه مارشال شکل گرفته است و مارشال حقوق شهروندی را شامل حقوق قانونی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی می داند در قرن ۱۸ قانون مدنی برابری در برابر قانون، شکل می گیرد و طی قرن ۱۹ و ۲۰ به توسعه نهادها و سیستم قضایی و رواج مطبوعات آزاد گسترش می یابد که این حقوق شامل حق برخورداری از یک محاکمه منصفانه، آزادی از بازداشت و توقیف خودسرانه و مستبدانه و اعمال خشونت، آزادی بیان ، حق مالکیت، مذهب ، عقیده و حق انعقاد قرارداد می باشد و بعد نوبت به ظهور حقوق سیاسی می رسد که شامل حق رأی و حق انتخاب شدن است و در قرن بیستم که توسعه و گسترش سرمایه داری که ذاتاً نابرابر است منجر به افزایش نابرابر طبقاتی می گردد که حقوق مدنی و سیاسی خود عده زیادی از عضویت کامل محروم می شدند زیرا وقت و توانایی تمرین عملی حقوق شهروندی را نداشتند.

بنابراین این مسیر ادامه داشت به حقوق آموزشی، اشتغال، امنیت ، تأمین اجتماعی، مراقبت بهداشتی و برخورداری از درآمد برای امرار معاش، برابری در فرصت ها و برخورداری از امکانات ، برخورداری از خدمات و رفاه اجتماعی بر می گردد، به نظر مارشال حقوق اجتماعی برابری ایده شهروندی ضرورت دارد و با توسعه نهادها تأمین اجتماعی همبسته است.

موارد مطرح شده می تواند بعنوان شاخص های شهروندی برای تحقیق استفاده شود. مارشال شهروندی را عضویت کامل در جامعه می داند و کسی را عضو کامل می داند که در یکی از سه زمینه زیر فعال باشد.

۱- کارکردن و انجام فعالیت های تولیدی و خدماتی دربازار کار رسمی
۲- شرکت در جنگ برای حفظ جامعه از تعرض دشمنان
۳- تشکیل خانواده بعنوان مکانیزمی برای باز تولید از طریق بدنیا آوردن فرزندان و نگهداری ازآنها

نظریه دوم قابل استفاده نظریه ترنر است او چهار انتقاد اساسی به مارشال مطرح می کند

۱- او قادر نیست تحلیلی موثر درباره مکانیزم های علمی توسعه شهروندی ارائه دهد
۲- مارشال به شهروندی بعنوان یک مفهوم یکنواخت برخورد کرد، و انواع شهروندی را متمایز نکرده (بین شهروند فعال و منفعل)
۳- مارشال در مقایسه ی تفاوتهای طبقه ای، منطقه ای، فرهنگی و قومی را بی اهمیت تلقی کرده است
۴- تئوری مارشال یک تئوری استحقاق و حرف کمی در مورد وظایف و تعهدات است ترنر شهروندی را بجای تعریف در چارچوب حقوق و مسئولیت آن را بصورت یک فرآیند تصور می کند و شامل دو فرآیند برخورداری و فرآیند محرومیت می داند فرآیند برخورداری از طریق بازتخصیص منابع موجب دستیابی شهروندان به منابع و امکانات جامعه می گردد و فرآیند محرومیت از طریق ساخت یک هویت مشترک دیگران را از مزایای شهروندی محروم می سازد.

شهروندی یک مجموعه از فرآیندها درباره تخصیص استحقاقات ، تعهدات ، مصونیت ها در درون یک اجتماع سیاسی است بنیان های استحقاق موثر شهروندی در انجام خدمات که در جنگ، تشکیل خانواده است ترنر سه نوع حقوق را مطرح می کند:

-شهروند محیطی : حق نسبت به داشتن یک محیط پاکیزه و تمیز

- شهروند بومی : بومیان هر کشور بعنوان شهروند درجه یک محسوب شوند مهاجران و بومیان از بهداشت، تحصیلات و مشارکت سیاسی برخوردار باشند.

- شهروند فرهنگی : حقوق مربوط به زبان، سهیم بودن در میراث فرهنگی ، هویت مذهبی می باشد.

در طرح ترنر یک طرح تکمیلی و تجربی برای مطالعه شهروندی است که شهروندی با چهار مولفه جامعه شناسی تحلیل و تبیین می شود.

الف: شکل اجتماعی شهروندی : اینکه شهروندی از بالا به پایین یعنی از دولت به سمت جامعه شکل گرفته است یا از پایین به بالا یعنی از جامعه و نهادهای مدنی به سمت دولت.

ب: قلمرو اجتماعی شهروندی : شهروندی بیشتر متمایل به شکل گیری در حوزه عمومی بوده است یا حوزه خصوصی

ج : گونه اجتماعی شهروندی : مشارکت شهروندی بیشتر حالت فعال دارد یا منفعل

ت: محتوای اجتماعی شهروندی: این شهروندی عمدتاً در عمل ناظر بر ایفای وظایف، مسئولیت ها و تعهدات شهروندی بوده است یا معطوف به حقوق و امتیازات شهروندی .

در طرح ترنر به دو مولفه جامعه شناسی دیگر نظیر :

۱-نیروهای اجتماعی شهروندی : یعنی اینکه کدام دسته از نیروهای اجتماعی یا طبقات و گروه های اجتماعی در شکل گیری شهروندی تأثیر گذار بوده اند.

۲-ترتیبات اجتماعی شهروندی: یعنی اینکه چه نهاد سازها و بسترسازی هایی برای تحقق و تقویت شهروندی صورت گرفته است (ترنر، ۱۹۹۴، فصل ۱)

نظریه سوم قابل استفاده در چارچوب نظری :

نظریه شهروندی هابرماس است : برمبنای نظریه تئوریکی شهروندی هابرماس می توان به اصول زیر اشاره کرد:

۱-شمول گرایی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ، اخلاق

۲-عقلانیت و اخلاق ارتباطی

۳-احساس مسئولیت اخلاقی و التزام مشارکت سیاسی برابر همگانی (وظیفه و حقوق شهروندی)

۴-اهداف ضروری و اخلاق ارتباطی (تفاهم، توافق، اجماع)

۵-تضمین نهادهای ساختاری تحقق عدالت، اخلاق، حقوق و سیاست ارتباطی (دموکراسی)

این اصول نظریه شهروندی هابرماس تلقی می شود

به نظر هابرماس در نظریه مشروعیت و لوازم شهروندی ارایه شده است اصل فرمانفرمایی عموم (حاکمیت مردم) و اصل حقوق بشر وشهروندی ، اصل فرمانفرمایی عموم متضمن آیینی دموکراتیک در قانون گذاری است که حاصل آن قانون گذاری را مشروعیت می بخشد و حق مشارکت و حق گفتگو تجلی می یابد.

حقی که متضمن «خودآیینی شهروندان صاحب حق رأی درحوزه عمومی) است اما اصل حقوق بشر در مقابل این نظر متکی بر مشروعیت ذاتی حکومت قانون است این حقوق حق آزادی و حق حیات حوزه خصوصی، یعنی مجال دنبال کردن نقشه زندگی شخصی شهروندان را تضمین می کند.

این دو اصل «فرمانفرمایی عموم، و حقوق بشر» در نظر هستند که بر پایه آنها می توان مشروعیت قانون وضعی و متغیر را به مثابه «اسباب تضمین خودآیینی های خصوصی و عمومی) فرد توجیه کرد (هابرماس ، ۱۳۸۰، ۱۶۸)

شهروندی جمهوری گرا ولیبرالی

این فلسفه سیاسی هابرماس تاکنون نتوانسته است بین نظریه شهروندی لیبرالی مبتنی بر حقوق بشر است و نظریه شهروندی جمهوری گرا که مبتنی بر فرمانفرمایی عموم است تعادل برقرار نماید. که هابرماس قائل به تلفیق هر دو ایده لیبرالی و جمهوری گرا از شهروندی است و یک پیوند درونی فرمانفرمایی عموم و حقوق بشر در قالب شهروندی را مطرح می کند.

نظریه چهارم در چارچوب نظری :

نظریه کییز که ابعاد پنج گانه سلامت اجتماعی را مطرح می کند.

ایشان بر این باور است که کیفیت زندگی و عملکرد شخصی فرد را نمی توان بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد و عملکرد خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت روانی است و مسئولیت ها و چالش های اجتماعی را نیز در بر می گیرد.

در حقیقت سلامت اجتماعی شامل عناصر متعددی است که این عناصر در کنار یکدیگر نشان می دهند که چگونه و در چه درجه ای افراد در زندگی اجتماعی خود خوب عمل می کند بعنوان همسایه ، همکار و همشهری و ... که کییز از سلامت اجتماعی یک مدل پنج بعدی را بیان می کند طبق این ابعاد فرد سالم از نظر اجتماعی زمانی عملکرد خوبی دارد که اجتماع را بصورت یک مجموعه معنادار و قابل فهم و بالقوه ای برای رشد و شکوفایی بداند، احساس کند که متعلق به گروه های اجتماعی خود است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن سهیم بداند ، محتوای سلامت اجتماعی طیف مثبتی از ارزیابی فرد از تجاربش دز جامعه است. که ایشان سلامت اجتماعی را در ابعاد پنج گانه زیر بیان می کند که هرکدام بیان گر بخشی از سلامت اجتماعی جامعه است .

- شکوفایی اجتماعی
- همبستگی اجتماعی
- انسجام اجتماعی
- پذیرش اجتماعی
- مشارکت اجتماعی

فرضیه های تحقیق :

فرضیه اصلی:

- بین حقوق و مسئولیت شهروندی و سلامت اجتماعی شهروندان رابطه معنا داری وجود دارد

فرعی:

- بین حقوق فرهنگی افراد وهمبستگی اجتماعی رابطه معنا داری وجود دارد
- بین حقوق مدنی افراد و مشارکت اجتماعی رابطه معنا داری وجود دارد
- بین حقوق سیاسی شهروندی و شکوفایی اجتماعی رابطه معنا داری وجود دارد
- بین حقوق اجتماعی شهروندی و انسجام اجتماعی رابطه معنا داری وجود دارد
- بین حقوق مشارکتی شهروندان و مشارکت اجتماعی رابطه معنا داری وجود دارد
- بین میانگین میزان مشارکت اجتماعی افراد به تفکیک جنس تفاوت معنا داری وجود دارد.

روش شناسی

در تحقیق حاضر که به بررسی حقوق و مسیولیت شهروندی و تاثیر آن بر سلامت اجتماعی است با توجه به ویژگی موضوع تحقیق و کثرت متغیر های اثر گذار روش پیمایش مورد استفاده قرار گرفته است.

جامعه آماری :

جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل شهروندان منطقه ۱۲ شهر تهران در سال ۱۳۹۰ می باشد .

نمونه آماری :

برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که برای بالا بردن سطح اطمینان مقدار عدد pوqرا برابر ۰/۵ در نظر گرفتیم تا حداکثر حجم نمونه ممکن انتخاب شود و ضریب دقت d برابر با ۰۵/ است لذا با توجه به t=1/96 مقدار نمونه ۳۵۰ نفر تعیین شده

روش نمونه گیری :

روش های نمونه گیری اتخاذ شده برای این پژوهش ،روش نمونه گیری خوشه ای می باشد و در پایان از روش نمونه گیری تصادفی ساده (قرعه کشی)استفاده شده است در واقع هدف از نمونه گیری استنباط ارزشهای جمعیتی بر اساس مطالعه نمونه است.

روش جمع آوری اطلاعات :

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه می باشد که با مراجعه حضوری پژوهشگر, توسط پاسخگویان تکمیل شده وهمچنین گویه های پرسشنامه براساس طیف لیکرت در سطح مقیاس رتبه ای می باشد.

تعیین میزان اعتبار یاروایی و اعتمادیا پایایی ابزار تحقیق:

در پژوهش میدانی داده های لازم با استفاده از یک ابزار از میدان تحقیق گرد آوری می شوند از آن جا که در علوم اجتماعی واحد های اندازه گیر ی دقیق و ثابتی برای اندازه گیری صفات و متغیرهای گوناگون وجود ندارد .در چنین شرایطی سلیقه و نگرش فردی پژوهشگر نقش زیادی را ایفا می کند و از سوی دیگر افراد مورد مطالعه دارای اراده هستند این مسئله باعث میشود که دو سوال اساسی همواره برای پژوهشگر مطرح باشد که عبارتست از :

۱- اعتماد یا پایایی (reliability)

یکی از روش های بررسی پایایی ابزار اندازه گیری ضریب آلفای کرونباخ است ،آلفای کرونباخ برای بررسی سازگاری درونی گویه ها است و مقدار آن نشانگر همسازی درونی و به عبارتی پایایی متغیر های مورد استفاده در تحقیق است

در پژوهش حاضر به منظور سنجش پایایی شاخصها و میزان همبستگی درونی گویه ها که شاخصها را تشکیل می دهند ابتدا ۹۰ سوال طراحی شد و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ همبستگی درونی گویه ها مورد ارزیابی قرار گرفت و گویه هایی که همبستگی پایینی با دیگر گویه ها داشتن حذف گردیدو در نهایت پرسشنامه ی اصلی تحقیق تدوین گشت و بعد از این که مشخص شد کدام گویه ها شاخص های متغیر مستقل و وابسته را سنجش می کنند ،هر کدام از آنها میزا ن آلفای کرونباخ در جدول زیر آمده است

میزان آلفای کرونباخ بر متغیرهای تحقیق :

متغیر	تعداد گویه	میزان آلفای کرونباخ
حقوق فرهنگی	۶	/۷۰
حقوق اجتماعی	۱۱	/۷۵
حقوق مدنی	۷	/۷۵
حقوق سیاسی	۱۰	/۷۸
حقوق مشارکتی	۴	/۷۰
شکوفایی اجتماعی	7	/۵۱
مشارکت اجتماعی	6	/۷۶
همبستگی اجتماعی	۵	/۷۱
انسجام اجتماعی	6	/۷۲
پذیرش اجتماعی	8	/۸۷
الفای کل ابزار	۷۵	/۹۶

جدول شماره:۱

۲- روایی (validity)

به دلیل این که متغیر وابسته سلامت اجتماعی دارای پرسشنامه ی استاندارد شده از قبل بوده ما فقط برای متغیر مستقل سوال طراحی کرده ایم که برای میزان روایی آن از اعتبار صوری (محتوایی) با اساتید و صاحب نظران مراجعه گردید و نظراتشان در تدوین پرسشنامه لحاظ شده

آزمون فرضیه ها (بر اساس جدول شماره ۲)

فرضیه اصلی :

بین حقوق و مسئولیت شهروندی و سلامت اجتماعی شهروندان رابطه وجود دارد.

نسبت همبستگی پیرسون بین دو متغیر حقوق مسولیت شهروندی و سلامت اجتماعی را نشان می دهد .با توجه به سطح معنی داری ۰۰۰/ که از ۰۱/ کمتر است می توان بیان داشت که با اطمینان ۹۹/ فرضیه پژوهش تایید می شود و همچنین به لحاظ شدت ۹۱/ همبستگی بین دو متغییر مستقیم و نسبت در سطح بالا ارزیابی می شود.

۲- بین حقوق فرهنگی افراد و همبستگی اجتماعی رابطه وجود دارد.

نسبت همبستگی پیرسون بین دو متغیر حقوق فرهنگی و سلامت اجتماعی رانشان می دهد .با توجه به سطح معنی داری ۰۰۰/ که از ۰۱/ کمتر است می توان بیان داشت که با اطمینان ۹۹/ فرضیه پژوهش تایید می شود و همچنین به لحاظ شدت ۷۲/ همبستگی بین دو متغییر مستقیم و نسبت در سطح بالا ارزیابی می شود.

۳- بین حقوق مدنی افراد و مشارکت اجتماعی رابطه وجود داشته باشد

نسبت همبستگی پیرسون بین دو متغییر حقوق مدنی و مشارکت را نشان می دهد .با توجه به سطح معنی داری ۰۰۰/ که از ۰۱/ کمتر است می توان بیان داشت که با اطمینان ۹۹/ فرضیه پژوهش تایید می شود و همچنین به لحاظ شدت ۵۳/ همبستگی بین دو متغییر مستقیم و نسبت در سطح متوسط ارزیابی می شود.

۴- بین حقوق سیاسی شهروندی و شکوفایی اجتماعی افراد رابطه وجود دارد

نسبت همبستگی پیرسون بین دو متغییر حقوق سیاسی وشکوفای اجتماعی را نشان می دهد .با توجه به سطح معنی داری ۰۰۰/ که از ۰۱/ کمتر است می توان بیان داشت که با اطمینان ۹۹/ فرضیه پژوهش تایید می شود و همچنین به لحاظ شدت ۷۲/ همبستگی بین دو متغییر مستقیم و نسبت در سطح بالا ارزیابی می شود.

۵- بین حقوق اجتماعی افراد و انسجام اجتماعی رابطه وجود دارد.

نسبت همبستگی پیرسون بین دو متغییر حقوق اجتماعی و انسجام اجتماعی را نشان می دهد .با توجه به سطح معنی داری ۰۰۰/ که از ۰۱/ کمتر است می توان بیان داشت که با اطمینان ۹۹/ فرضیه پژوهش تایید می شود و همچنین به لحاظ شدت ۷۴/ همبستگی بین دو متغییر مستقیم و نسبت در سطح بالا ارزیابی می شود.

۶- بین حقوق مشارکتی و مشارکت اجتماعی افراد رابطه وجود دارد

نسبت همبستگی پیرسون بین دو متغیر حقوق مشارکتی و مشارکت اجتماعی رانشان می دهد .با توجه به سطح معنی داری ۰۰۰/ که از ۰۱/ کمتر است می توان بیان داشت که با اطمینان ۹۹/ فرضیه پژوهش تایید می شود و همچنین به لحاظ شدت ۸۴/ همبستگی بین دو متغییر مستقیم و نسبت در سطح بالا ارزیابی می شود.

همبستگی پیرسون بین متغیر های مستقل و واسته:

متغیر وابسته	سطح معنی داری	نسبت همبستگی	متغیر مستقل
سلامت اجتماعی	/۰۰۰	/۹۱	حقوق شهروندی
همبستگی اجتماعی	/۰۰۰	/۷۲	حقوق فرهنگی
مشارکت اجتماعی	/۰۰۰	/۵۳	حقوق مدنی
شکوفای اجتماعی	/۰۰۰	/۷۲	حقوق سیاسی
انسجام اجتماعی	/۰۰۰	/۷۴	حقوق اجتماعی
مشارکت اجتماعی	/۰۰۰	/۸۴	حقوق مشارکتی

جدول شماره ۲

۷-بین میانگین میزان مشارکت اجتماعی افراد به تفکیک جنس تفاوت معنادی وجود دارد .

	جنسیت	N	میانگن	انحراف استاندارد	انحراف از میانگین
مشارکت اجتماعی	مرد	۱۴۹	۱۱/۶۵	۲/۹۳۴	/۲۴۰
	زن	۱۵۶	۱۱/۸۰	۲/۴۵۱	/196

t-test for Equality of Means								
F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
							Lower	Upper
5.626	.018	-.486	303	.627	-.15	.309	-.758	.458
		-.484	288.604	.629	-.15	.310	-.761	.460

با توجه به آزمون t مستقل و فرضیه تفاوتی ((بین میانگین میزان مشارکت اجتماعی افراد به تفکیک جنس تفاوت معنا داری وجود دارد))با توجه سطح معنی داری ۰۱/ که ۰۵/ کمتر است با اطمینان ۹۵/ فرضیه پژوهش حکایت از عدم تفاوت میزان مشارکت اجتماعی به تفکیک جنس دارد .بعبارت دیگر با توجه به آزمون t مستقل تفاوتی در میزان مشارکت مردها و زن ها وجود ندارد. اما به لحاظ توصیف که از میانگین ۱۱/۶۵ برای مردها و ۱۱/۸۰ برای زن ها است حکایت از اندک میزان مشارکت بیشتر زن ها دارد.

تحلیل رگرسیون چند متغیره :

متغیرهای مستقل :حقوق فرهنگی، حقوق اجتماعی ، حقوق مدنی، حقوق سیاسی

حقوق مشارکتی

متغیر وابسته:سلامت اجتماعی

مدل ر گریسون	ضریب همبستگی چند گانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل گر	براورد خطای استاندارد
۱	/۹۶	/۹۲	/۹۲	۳/۳۵

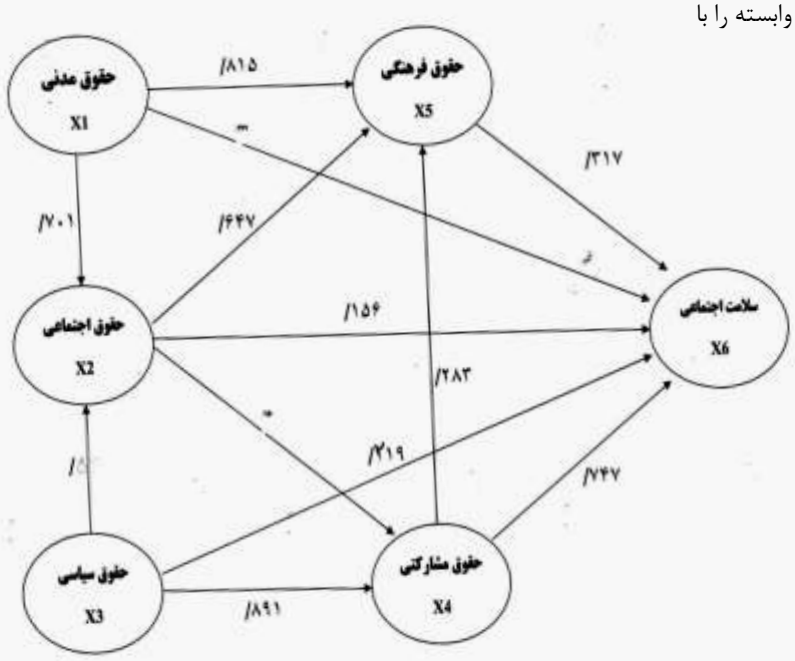
جدول فوق نشان میدهد که متغیر های مستقل وارد مدل رگرسیون شده اند این متغیرها در مجموع ۹۲/ ۰ تغییرات متغیر سلامت اجتماعی را تبیین میکنند و میزان ضریب همبستگی آنها با متغیر سلامت اجتماعی۰/۹۲ است و ۰/۸ به عوامل دیگر بستگی دارد .

مـــــــــــــدل	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	T	سطح معناداری
	B	انحراف استاندارد	beta		
حقوق فرهنگی	۱۱/۱۱۷	۱/۳۷		۸/۱۰	...
حقوق اجتماعی	/۹۶۹	/۱۴۵	/۳۱۷	۶/۶۷	...
حقوق مدنی	-/۲۱۷	/۶۸	/۱۵۶	۴/۱۱	...
حقوق سیاسی	-/۲۱۵	/۹۷	/۲۱۹	۲/۲۱	...
حقوق مشارکتی	۲/۵۸	/۱۲۵	/۷۴۷	۲۰/۶۷	...
متغیر وابسته:سلامت اجتماعی					

جدول فوق ضریب ر گرسیون را نشان می دهد که آخرین مرحله وارد کردن متغیر رگرسیون است

تحلیل مسیر :

از طریق دیاگرام تحلیل مسیر میزان پیش بینی متغیر وابسته را با شاخص های متغیر مستقل نشان داده ایم .



یافته ها :

فرضیه اول :به نظر میرسد بین حقوق و مسئولیت شهروندی و سلامت اجتماعی شهروندان رابطه وجود دارد یا نه ،با توجه به میزان همبستگی بین دو متغیر ۹۱ / متغیر حقوق و مسئولیت شهروند با سلامت اجتماعی رابطه معنا داری دارند که اثر آن مستقیم و فرایند می باشد و آنچه از این نتیجه بر می آید این است که هر چه فرد با حقوق و مسئولیت شهروندی آگاهی بیشتری داشته باشد از سلامت اجتماعی بیشتری برخوردار است در نظریه کییز نیز به این موضوع اشاره میشود که افرادی که از این بعد از سلامت اجتماعی برخوردارند اجتماع را به صورت یک مجموعه کلی و عمومی ادراک می کنند .

- در فرضیه دوم رابطه بین حقوق فرهنگی و همبستگی اجتماعی پرداخت شده که این رابطه در راستای تایید نظریاتی است که به مفاهیم حقوق فرهنگی ،سیاسی،اخلاقی ،افراد در جامعه اشاره دارد که از جمله آنها می توان به هابرماس،ژانوسکی اشاره کرد که در این تحقیق از آنها استفاده شده است که نتایج آزمون نشان دهنده رابطه معنا دار و مستقیمی بین متغیر هاست یعنی هر چه آگاهی از حقوق و مسئولیت شهروندی بیشتر باشد میزان برخورداری از سلامت اجتماعی بیشتر است .

در آزمون فرضیه سوم : رابطه بین حقوق مدنی و مشارکت اجتماعی ،رابطه معنا دار و مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد که نشان دهنده ی آگاهی افراد از حقوق مدنی به هر اندازه بیشتر باشد میزان مشارکت اجتماعی افرادهم بالا می باشد ،که این فرضیه نیز بر گرفته از نظرات تی اچ مارشال که در جامعه باید فضای باز برای انعکاس نظرات مردم که باعث مشارکت اجتماعی آنها خواهد شد.

در فرضیه چهارم رابطه حقوق سیاسی شهروندی و شکوفایی اجتماعی که هر چه رابطه بین این دو متغیر بیشتر باشد میزان شکوفایی اجتماعی افراد بیشتر خواهد بود .که فرضیه بر گرفته از نظر جان استوارد میل که ارادی افراد زمینه ی شکوفایی آنها است .آزادی که اعمال شخص به دیگران آسیب نرساند

آزمون فرضیه پنجم :رابطه ی حقوق شهروندی و انسجام اجتماعی است و بین دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد یعنی هر چه افراد از حقوق اجتماعی بیشتری برخوردار باشد متقابلا دارای انسجام اجتماعی بیشتری می باشد که بر اساس نظریه ی هابرماس که اشاره به حقوق بشر برای شهروندان که آن مشمول گرایی اجتماعی و همچنین نظریه ی کیث فالکس به تعداد شهروندانی متضمن همکاری میان افراد برای اداره ی زندگی شان میباشد که این همکاری باعث ایجاد انسجام است .

آزمون فرضیه ی ششم :رابطه بین حقوق مشارکتی و مشارکت اجتماعی ،که رابطه بین متغیر ها معنا دار و مستقیم است و هر چه فرد از حقوق مشارکتی بیشتر برخوردار باشد از مشارکت اجتماعی برخوردار است مشارکت اجتماعی که بر اساس نظریه ی لایکوک تاثیر شبکه های اجتماعی به سلامت افراد که باعث روحیه مشارکت و در گیری فرد در فرایند های اجتماعی از قبیل نقش های شغلی و خانوادگی می شود را نشان می دهد .

آزمون فرضیه هفتم: میانگین میزان مشارکت اجتماعی افراد به تفکیک جنس تفاوتی وجود ندارد با توجه به آزمونt مستقل و سطخ معنی دار ۰۵/ فاصله ی اطمینان ۹۵/. فرضیه پژوهش حکایت از عدم تفاوت میزان مشارکت اجتماعی به تفکیک جنس وجود دارد.

از آنجاکه این پژوهش شناخت حقوق و مسئولیت شهروندی بر سلامت اجتماعی شهروندان است پیشینه تحقیقی برای این موضوع بسیارمحدود بوده و در داخل کشور به ندرت تحقیقی در این ارتباط صورت گرفته که موضوع تحقیق دارای پتانسیل های روشی و محتوای بالایی است تجربیات این پژوهش پیشنهادات زیر را برای محققانی که در این زمینه قصد پژ.هش دارند ارائه می دهد .

بحث نتیجه گیری:

انسان سالم محور توسعه است و درسایه تک تک آحاد جامعه در همه ابعاد سلامت می توان بسوی توسعه پیش رفت که این سلامت محصولی است که در کنار توجه به حقوق ومسئولیت شهروندان امکان پذیر است

بنابراین شناخت عوامل موثر بر میزان سلامت اجتماعی در بین شهروندان در کاهش یا افزایش توسعه جامعه می تواند تاثیر گذار باشد

به طور کلی از بحث ها مطرح شده نتایج زیر منتج می شود:

تلاش برای استقرار دموکراسی در جوامعی که مردم آن به حقوق و تکالیف شهروندی آگاه نیستند می‌تواند موجب بروز هرج و مرج‌های اجتماعی شود. اما با توجه به اینکه در ادبیات حقوقی معاصر در کنار حقوق شهروندی به دو مفهوم حقوق بشر و حقوق اساسی نیز برمی‌خوریم لازم است مرزهای ظریف میان این مفاهیم سه گانه و دلالت موضوعی هریک را در نظر داشت. زیرا گاهی این سه مفهوم به صورت مترادف و گاهی به جای یکدیگر و به صورت جانشینی برای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. حقوق بشر به مثابه عالی‌ترین هنجار حقوقی فهم می‌شود که نسبت به حقوق موضوعه و نیز حقوق شخصی در مرتبه والاتری قرار دارد. حقوق بشر بر پایه حرمت انسانی است که نه قابل انتقال و واگذاری است و نه صرف‌نظر کردنی. در فلسفه حقوق بشر در فرهنگ مغرب زمین، چنین حقوقی از بدو زایش همراه انسان است و به منزله حقوق طبیعی او تلقی می‌شود، لذا حقوق بشر حقوقی نیست که دولت یا نهادی بتواند آن را مانند موهبتی به کسی اعطا کند بلکه دولت یا هر نهاد دیگری صرفاً می‌تواند آن را به رسمیت بشناسد یا نشناسد.

محتوای حقوق ومسئولیت با متناسب با شرایط اقتصادی فرهنگی اجتماعی در جامعه باشد چون کشورها در تدوین حقوق مدنی وحقوق بشر شرایط عنوان شده را تدوین می کنند به عبارتی رنگ وبوی ملی به آن می دهند و بر اساس نظریه کییز اگر افراد جامعه از بعد سلامت اجتماعی بر خوردار باشند جامعه را بعنوان یک مجموعه کلی و عمومی درک می کند

هر چقدر میزان آگاهی از حقوق شهروندی بیشتر باشد میزان برخورداری از سلامت اجتماعی بیشتر است

پژوهش های محدودی که انجام شده بیشتر متکی بر رویکرد های واحد انجام شده اند

روشهای تجزیه وتحلیل اکثر پژوهشها از نوع کمی است

اگر بخواهیم با لطبع راهکار بهتری ارائه دهیم پژوهشگران حوزه های جامعه شناختی و روان شناختی باید در جهت آشنایی تبادل نظر وتشریک مساعی در مسایل پژوهشی مشترک اقدام کنند که بتوانند راهکار بهتری ارایه نمایند

پیشنهادات روشی :

استفاده از روشهای کیفی و مصاحبه های عمیق برای بررسی و سنجش دقیقتر مفهوم سلامت اجتماعی به نظر میرسد بعضی از عوامل موثر بر سلامت اجتماعی و متغیر های مرتبط با آن را نمی توان فقط با پرسشنامه سنجید وباید از روشهای کیفی تحقیق در بررسی این موضوع نیز بهره گرفت .

منابع

- آزاد ارمکی، تقی(۱۳۸۶)، جامعه شناسی خانواده ایرانی، تهران: سمت، چاپ اول.
- بازرگان، عباس، سرمد، زهره و حجازی، الهه(۱۳۸۲)، روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه.
- پاشا شریفی ، حسن ، شریفی ، نسترن(۱۳۸۶)، روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: سخن.
- خیر اله پور اکبر (۱۳۸۳)بررسی عوامل اجتماعی موثر بر سلامت روانی با تاکید بر سرمایه اجتماعی مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی ، گروه جامعه شناسی دانگاه شهید بهشتی ، استاد راهنما ، محمدصادق مهدوی .
- ریترز، جرج(۱۳۸۲)، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، مترجم: محسن ثلثالی، تهران، انتشارات علمی، چاپ هفتم
- ساروخانی، باقر(۱۳۷۵)، درآمدر بر دایره المعارف علوم اجتماعی، جلد دوم، تهران: انتشارات کیهان.
- ساروخانی، باقر(۱۳۷۵)، درآمدر بر دایره المعارف علوم اجتماعی ، تهران: انتشارات کیهان. ، جلد دوم

کلانتری خلیل(۱۳۸۹) پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی انتشارات مهندسین مشاور طرح ومنظر - تهران چاپ چهاردهم

- ۵-کنگره لو شیرین (۱۳۸۷) بررسی میزان سلامت اجتماعی دانشجویان شاهد پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی استاد راهنما دکتر عزت الله سام آرام
- کوزر، لوئیس(۱۳۸۰)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، چاپ نهم.
- محمدی اصل عباس (۱۳۸۲) سلامت اجتماعی در ایران ،ماهنامه گزارش
- محسنی .منوچهر (۱۳۷۸) سلامت اجتماعی چیست ...
- میرزایی، خلیل(۱۳۸۸)؛ پژوهش، پژوهشگری و پژوهش نامه نویسی، تهران: جامعه شناسان، جلد اول
- هابرماس یورگن (۱۳۸۴) نظریه کنش ارتباطی ترجمه کمال پولادی تهران موسسه انتشاراتی روزنامه ایران تهران
- مساواتی، مجید(۱۳۷۴)، آسیب شناسی اجتماعی ایران-جامعه شناسی انحرافات، تبریز: نوبل

1- Bourdieu .Pieer . cultural reproduction and social reproduction and social reproduction ox ford university press , new York 1997

2-Keys .G.L.M, SOCIAL PSYCHOLOGY Quarterly 1998

3- Keyes , C.L.M, Compellete mental healthon agenda forth 2001 contury , Washington 2004